



ادات در منطق و دستور و علم بیان

ادات (اداة) در عربی و فارسی به معنی آلت ، افزار ، و ابزار است (اقرب الموارد)
(لغت نامه دهخدا ، فرهنگ فارسی دکتر معین) .
علاوه بر این ادات در فرهنگ ایرانی و اسلامی در چند مورد اصطلاح شده است :
یکی در منطق فارسی و عربی دوم در دستور و صرف و نحو فارسی و عربی سوم در معانی و
بیان فارسی و عربی

ادات در منطق

ادات از نظر منطقیان یکی از اقسام سه گانه «لفظ مفرد» است و آن لفظ مفردی است
که به خودی خود دارای معنی تمام و مستقلی نیست و معنایش پس از الحاق به لفظ دیگر
روشن میشود مانند «برو» «از» در مقابل اسم و کلمه (فعل) که هر یک مستقلاً هم معنی
دارند بنا بر این لفظ مفرد از نظر منطقی و نحوی بر دو قسم است :
یکی آنکه مستقلاً دارای معنی است و شامل اسم و کلمه (فعل) است و دیگر لفظ
مفرد و غیر مستقل که شامل ادات است .

* آقای دکتر خسرو فریدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران و

شاعران نامدار معاصر.

بعضی از حکماء و منطق نویسندگان ادات را باحرف در صرف و نحو یکی دانسته‌اند و بجای ادات حرف را بکار برده‌اند و یا هر دو اصطلاح را استعمال کرده‌اند (کشاف اصطلاحات فنون تهانوی) رساله منطق از دانشنامه ابن سینا (ص ۲۹) تصحیح دکتر معین و سید محمد مشکوة ، اساس الاقتباس خواجه نصیر تصحیح مدرس رضوی چاپ دانشگاه (ص ۱۴) ، درة التاج تصحیح محمد مشکوة (ص ۱۹ ج اول چاپ ۱۳۲۰) فی المثل خواجه نصیر در اساس الاقتباس «لفظ مفرد یادال بود بر معنی در نفس خود به استقلال یادال بود در غیر خود به تبعیت ، مثال اول چون رجل که دال است بر مرد و مثال دوم لام تعریف که در «الرجل» دال است بر تعریف رجل و تعریف بی چیزی که به او معرف شود تصور نتوان کرد بخلاف رجل که به نفس خود متصور است قسم اول اگر و قسم دوم را حرف خوانند . منطقیان فعل را کلمه خوانند و حرف را ادات پس لفظ مفرد یا اسم بود یا فعل یا حرف» (اساس الاقتباس ص ۱۴ و ۱۵) .

«اما باید دانست که ادات در منطق باحرف در نحو عربی و دستور فارسی کاملاً یکی نیست و بین آنها اندکی اختلاف است فی المثل علمای منطق افعال ربطی فارسی است ، بود ، باشد) و امثال ناقصه عربی (کان ، صار) را جزء ادات شمرده‌اند زیرا بخودی خود معنی کامل ندارند مثلاً «کان» (بود) در منطق کلمه (فعل) شمرده نمی‌شود و آن را «رابط زمانی بین موضوع و محمول گویند» فی المثل در قضیه : «محمد خردمند بود» یا «کان محمد عاقل» بود» و «کان» از ادات است و آن را «کلمه وجودی» (یعنی فعلی که دلالت بر وجود در ماضی دارد) یا «ادات زمانی» یا «رابط زمانی» می‌خوانند . هم چنین است «هو» در عربی و «است» و «هست» در فارسی که در قضایای ثلاثی از قبیل «او دانشمند است» و «زید هو عالم» بکار می‌رود و در واقع رابط محمول به موضوع است و «هو» نیز با آنکه در نحو عربی اسم است در چنین قضایائی در منطق جزء ادات بشمار می‌آید و جانشین «است» فارسی است و نیز «اذا» عربی در منطق جزء ادات است زیرا تالی را به مقدم می‌پیوندد و حال آنکه در علم نحو اسم شرط است»

در دستور فارسی نیز بسیاری از محققان به پیروی از اهل منطق «است» و «نیست» و «هست» را جزء حروف یا ادات آورده‌اند از آن جمله‌اند: حاجی محمد محیی الدین صاحب «تحقیق القوانین» که آنها را حروف روابط خوانده است (ص ۲۹) و محمد حسین بن مسعود بن عبدالرحیم الانصاری صاحب «تنبیه الصبیان» که این فعل‌ها را ادات ربط گفته است (ص ۱۲۰) و میرزا حبیب اصفهانی مؤلف «دستور سخن» آنها را ادات رابط نامیده (ص ۱۰۴) و دکتر نجیامپور در «دستور زبان فارسی» آنها را حرف اسناد شمرده است (ص ۱۰۳) صاحب

مناظر القواعد این عناصر را حروف روابط گفته است (ص ۴۶). نجم الغنی خان رامپوری در نهج الادب آنها را حرف ربط خوانده است (ص ۵۷۵ و ۵۷۶).

ادات در دستور

ادات هم در صرف و نحو عربی بکار رفته است و هم در دستور فارسی و اینک ما هر یک از این دو مورد را بازمی‌نمائیم :

ادات در نحو عربی

در نحو عربی هم ادات وجود دارد و هم حرف که حرف خود برد و قسم است : یکی حروف مبانی یا الفبائی و دیگر حروف معانی . حروف معانی در نحو تقریباً معادل ادات در منطق است و آن کلمه‌ای است که معنی آن آشکار نمیشود مگر با ضمیمه شدن بکلمه یا جمله مانند : ف، ثم ، ان ، لکن و غیره .

در دستور عربی بجای ادات بیشتر حرف بکار میرود با اینحال در آنجا علاوه بر اصطلاح حرف، تعبیر ادات نیز بندرت بکار رفته است و اصطلاح اخیر گاهی بهمان معنی حرفست و گاهی بمعنی کلمه بطور عام .

آنجا که ادات بمعنی حرف است هنگامی است که بهمان معنی هم بکار میرود مثلاً گاهی بجای حروف مشبّهة بالفعل ادات مشبّهة بالفعل گفته میشود و فی‌المثل در شرح ابن عقیل در مورد حروف مشبّهة بالفعل نوشته شده است :

هذه الادوات كلها حروف وعددها ستة (شرح ابن عقیل ص ۵۷۳ ج ۱).

اما ادات در مهمترین کاربرد خود در نحو عربی بمعنی حرف نیست بلکه بمعنی کلمه به‌طور عام است ولی کلمه‌ای که بحرف نزدیک است و این مورد شامل مبحث ادوات جازم فعل است که برد و قسمندی آنهاست که يك فعل را جزم میدهند و همه حرفند و عبارند از : لام امر «لا»ی نهی، لم ولما برای جحد و دیگر آنهاست که دو فعل را جزم میدهند و عبارتند از : ان، من، ما، مهما، ای، متی، انی، حیثما . از این ادوات «ان» حرف است و بقیه آنها اسمند :

فسی الفعل هكذا ولم ولما	بلاولام طالباً ضبع جزمياً
ای متی ایان آین اذما	واجزم بان ومن و ما و مهما
کان و باقی الادوات اسما	وحیثما انسی و حرف ، اذما

(ابن مالک نقل از شرح ابن عقیل ص ۲۸۵)

بنابر این ادات در نحو عربی گاهی بر حرف و گاهی هم بر کلمه اطلاق میشود و آن

بیشتر درجائی است که مجموعه‌ای از عناصر دستوری وجود دارد که شامل دو یا سه نوع کلمه است مانند ادوات جازم فعل که هم شامل حرفند (ان، لم، لما) و هم شامل اسم (من) ، ما (غیره) .

البته باید دانست بعضی از کلماتی که فعل راجز می‌دهند اگرچه از طبقه اسمند اما معنی آنها هنگامی که جازم دو فعلند ناقص است این عناصر در این حالت محتاج به الحاق به جمله‌اند و بنابراین در این مورد اگرچه ابن مالک و ابن عقیل آنها را اسم شمرده‌اند (ص ۲۸۵ شرح ابن عقیل) ولی در واقع معنی مستقلی ندارند و نقشی شبیه بحرف بسازی می‌کنند و میتوان آنها را حرف یا شبه حرف دانست .

ادات در دستور فارسی

اصطلاح ادات و ادوات در دستور های فارسی آغازین قدیمی که از منطق و نحو عربی متأثر بوده‌اند فراوان‌تر دیده می‌شود ولی در دستوره‌های جدید بتدریج از کاربرد آن رها شده است بطوریکه بعضی از دستور نویسندگان امروز این اصطلاح را بکار نمی‌برند (دستور زبان فارسی از دکتر خانلری و دستور امروز از دکتر خسرو فرشیدورد) و در بعضی از دستورها نیز ادات بصورت اصطلاح اصلی نیست بلکه جنبه جنبی و فرعی دارد .

در دستور های فارسی بخصوص در دستوره‌های نوع نخست ادات بمعانی متعددی آمده است از قبیل : ۱ - کلمه ۲ - حرف ۳ - پسوند ۴ - پیشوند ۵ - فعل ربطی (است ، نیست ، هست ، بود) ۶ - صوت ۷ - قید ۸ - ممتم قیدی و مفعول بواسطه .

تفاوت عمده بین حروف و ادات در نحو عربی و در دستوره‌های فارسی که به تقلید از نحو عربی و منطبق نوشته شده‌اند این است که در نحو عربی افعال ناقصه و ضمیر «هو» هنگامی که در حکم فعل ربطی است مانند (زید هو عالم) جزء ادوات بشمار نمی‌رود در حالی که در دستوره‌های یاد شده اینگونه کلمات نیز جزء حروف و ادوات و هم چنین است بسیاری از پسوندها که در بعضی از این دستورها مانند دستور سخن و دبستان پارسی و نهج الادب و تحقیق القوانین جزء حروف و ادوات بشمار آمده‌اند در صورتی که در عربی که زبانی قالبی است نه ترکیبی و در آن پسوند اندک است این عناصر را جزء حروف و ادوات نمی‌آورند و یکی از نخستین کسانی که پیشوندهای فارسی را جزء حروف آورده است شمس‌قیس رازی است (در مبحث قافیه در کتاب المعجم) وی آسا، گون ، و مانند آنها را حرف نامیده است (المعجم از ص ۱۵۴ به بعد) و شاید فرهنگ‌نویسان و دستور نویسندگان ما به پیروی از وی این عناصر را حرف خوانده‌اند . تفاوت دیگر بین حروف و ادوات در نحو فارسی و عربی این است که در بعضی از دستوره‌های قدیم فارسی اسما و صفات پرسشی ، ضمائر

متصل (م، ت، ش، مان، تان، شان) و بسیاری از اصوات را جزء حروف آورده اند در حالی که در نحو عربی چنین نیست و آنچه هم واژه های پرمشی (جز «هل» و «ا») و هم معادل اصوات (جز حروف تنبیه الاواما و حرف ردع کلاً) اسمند آنها معادل نوعی اسمند به نام اسماء افعال. اینک شرح بیشتری درباره انواع ادات در دستور فارسی:

۱ - ادات بمعنی کلمه - آنجا که ادات بمعنی کلمه دستوری آمده است پیش از همه در مورد ادوات استفهام و اصوات است مراد از ادوات استفهام کلماتی هستند مانند آیا، چون، چگونه، چند، کجا، کی، چقدر، که، چه، مگر، چرا، کدام که بعضی از آنها اسمند مانند کجا و کی و چه و برخی قیدند مثل چرا و پاره ای صفتند مثل کدام و برخی نیز حرفند مانند آیا. معادل این عناصر در عربی جزء دودسته از کلمات قرآمی گیرند یکی «هل» و «ل» که معادل آیا هستند و حرفند و دیگر و معادل بقیه که پیشوند و اسمند.

۲ - ادات بمعنی پیشوند و پسوند - بسیاری از دستور نویسان قدیم ادات را بمعنی پیشوند و پسوند نیز بکار برده اند از آن جمله اند: عبدالکریم ایروانی صاحب «قواعد صرف و نحو فارسی» و میرزا حبیب اصفهانی نویسنده «دستور سخن» و «دبستان فارسی». مثلاً عبدالکریم ایروانی «ستان» و «سار» و «گاه» را ادات اسم مکان (ص ۳۷ و ۳۹ و ۴۰) و «گین» را ادات نسبت (ص ۴۰) و «وش» و «فش» را ادات تشبیه (ص ۴۳ و ۳۹) و «می» را ادات استمرار (ص ۵۶۹) و «ها» را ادات جمع خوانده است البته وی علاوه بر این حروف اضافه و حرف ربط و اصوات و بسیاری دیگر از پیشوندها و پیشوندها را نیز از ادات می شمارد. میرزا حبیب در دستور سخن «ك» را ادات تصغیر و تعظیم (ص ۱۰۵) و «ی» را ادات نسبت (ص ۱۳۵) پیشوند «تا» را ادات نفی (ص ۱۱۶) می نویسد و همچنین است بسیاری دیگر از پسوندها و پیشوندها، وی در دبستان فارسی هم بهمین طریق عمل می کند.

مانده دارد

خموشی

- | | |
|------------------------------------|---------------------------------|
| نشیند بهرجسا ، چسو بهجهد زدام . | ستخن همچو مرغیست کاید ز کام ، |
| از آن به ، کسه بر گفته کیفر یسرد . | بنا گفته بر ، چون کسی غم خورد ، |
- گر شاسب نامه اسدی طوسی - قرن سوم